

مقدمه

کتاب «تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران» کتابی است مفصل (۶۰۹ صفحه) که در دو بخش و چهارفصل تألیف و تدوین شده است. عناوین چهار فصل اصلی به قرار زیر است:

- ۱- نگاهی بر روند شهرنشینی در ایران
- ۲- شهرنشینی و تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر
- ۳- شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران، دوره باستان و پس از اسلام
- ۴- شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران، مرحله تحول و دگرگونی

بنا به توضیح مؤلف در آغاز کتاب، هسته اولیه این اثر به عنوان پایان نامه دانشگاهی دوره کارشناسی در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شکل گرفته و سپس با بسط مباحث آن به صورت تألیف کنونی درآمده است. با توجه به این توضیح، اصل کتاب حاضر، به عنوان یک پایان نامه تحصیلی، چندان جای بحث و بررسی ندارد، ولی انتشار آن به صورت کنونی توسط «دانشگاه علم و صنعت ایران» آن هم در سه چاپ مختلفه ایجاب می‌کند که با نظری جدی‌تر و عمیق‌تر به آن نگریسته شود.

با توجه به پیچیدگی موضوع اصلی کتاب یعنی «برنامه‌ریزی شهری» که هنوز تعریف و جایگاه روشنی در ادبیات مربوط به علوم اجتماعی پیدا نکرده است، و نیز به منظور در دست داشتن یک چارچوب داور، برای نقد و ارزیابی کتاب، در این بررسی ابتدا دو مقدمه کوتاه درباره ماهیت و جایگاه علمی «برنامه‌ریزی شهری» و تحولات اخیر آن در جهان، ارائه می‌شود و سپس نکاتی چند درباره مسائل شکلی و محتوایی کتاب مورد نظر، ذکر می‌گردد.

جایگاه علمی برنامه‌ریزی شهری

به طوری که تجارب تاریخ شهرسازی در جهان نشان می‌دهد، این رشته از دانش بشری ابتدا از علوم کاربردی مثل

معماری و مهندسی منشاء گرفته و سپس در روند تکامل خود از علوم طبیعی و اجتماعی دیگر مثل جغرافیا، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و غیره تأثیر پذیرفته و در چند دهه اخیر به علوم خاص اجتماعی مثل جامعه‌شناسی، سیاست، مدیریت و روانشناسی اجتماعی روی آورده است. بنابراین برنامه‌ریزی شهری با نظریه‌های علوم مختلف (مهندسی، طبیعی، اجتماعی و...) سرو کار دارد و به همین دلیل یک رشته علمی متعارف (در مفهوم Science) نیست بلکه بیشتر یک «دانش میان رشته‌ای» (Interdisciplinary knowledge) است که به جای قوانین قطعی و محدود، با گرایش‌ها و متغیرهای وسیع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سرو کار دارد. به همین دلیل در برنامه‌ریزی شهری، از انواع نظریه‌های مربوط به علوم طبیعی، مهندسی و اجتماعی، هم به صورت «توصیفی» و هم به صورت «هنجاری» استفاده می‌شود. و در عمل، انواع الگوها و روش‌ها، به اقتضای شرایط محیطی و اجتماعی، به کار می‌رود. با این مقدمه، می‌توان دریافت که دانش برنامه‌ریزی شهری، نمی‌تواند به نظریه‌ای واحد یا الگویی واحد بسنده کند.

نگاهی به تحولات برنامه‌ریزی شهری در جهان

برنامه‌ریزی شهری، در مفهوم امروزی خود و به عنوان یک دانش سازمان یافته، در حدود دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در اروپا و آمریکا پا به عرصه نهاد و می‌توان گفت که سراسر قرن بیستم را درگیر آزمون و خطا بوده و انبوهی از نظریه‌ها، روشها و فنون را به کار گرفته است. در یک جمع‌بندی اجمالی، می‌توان تمام تجارب برنامه‌ریزی شهری جهان را، به سه رویکرد عمده تقسیم کرد:

الف- رویکرد برنامه‌ریزی جامع و طرحهای جامع:

این رویکرد از حدود دهه ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۶۰ در غرب رواج داشت و هنوز در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله ایران نفوذ دارد. ویژگی‌های اصلی این رویکرد عبارت است از:



کتاب ماه علوم اجتماعی / مهرواژین ماه ۱۳۷۹

چکیده

کتاب حاضر در چهار فصل اصلی تنظیم شده است. نگاهی بر روند شهرنشینی در ایران، شهرنشینی و تحولات اقتصادی - اجتماعی دهه‌های اخیر، شهر و برنامه‌ریزی شهری در ایران در دوره باستان و پس از اسلام و در مرحله تحول و دگرگونی. در کتاب حاضر مبنای نظری مشکلات برنامه‌ریزی و طرح‌های شهری در ایران به نفوذ استعمار، وابستگی اقتصادی و توسعه برون‌زا نسبت داده شده است. در مجموع سه ایراد کلی به کتاب وارد است: ۱- موضوع کتاب به درستی تعریف و تعیین نشده است.

۲- به مبنای نظری و روش‌های تحقیق در موضوع مورد بحث توجه کافی نشده است. ۳- مرزهای پژوهش توصیفی و پژوهش تحلیلی در آن، به هم آمیخته است.

منتقد می‌گوید نویسنده فقط در فصل ۴ یعنی فقط ۲۰٪ کتاب به موضوع و عنوان کتاب پرداخته است. این کتاب در مجموع بیشتر تاریخچه توصیفی تحولات و اقدامات اخیر شهرسازی در کشور را به دست می‌دهد که همراه است با حشو و زوائد فراوان، و در ارائه تحلیل ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، چندان توفیقی به دست نمی‌آورد.

مشکلات برنامه‌ریزی و مطالعات فرابخشی
مجله ماه علوم اجتماعی

برنامه ریزی شهری؛

نیازمند توجه به رویکردهای جدید

مجموعه ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران
تألیف: امیر موشیری
موضوع: برنامه‌ریزی شهری و مهندسی
تاریخ انتشار: ۱۳۷۹ (۱۳۷۲)

○ جواد مهدی‌زاده
کارشناس ارشد علوم اجتماعی و
پژوهشگر برنامه‌ریزی شهری

خصلتی متمرکز و آمرانه (از بالا به پایین) دارد و با «بوروکراسی» همراه است. برنامه‌ریزان و مردم نقش موثری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ندارند. بر عوامل کالبدی و مهندسی تاکید دارد و به عوامل اجتماعی بی توجه است. به پیش‌بینی کامل، تفصیلی و قطعی گرایش دارد و امکانات تغییر و اصلاح در آن محدود است. بر اصول عقلانی و انتزاعی استوار است و با واقعیات اجرایی منطبق نیست.

ب - رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی: این رویکرد از حدود دهه ۱۹۶۰ به بعد در غرب و به تبع آن در سایر کشورهای جهان، رواج پیدا کرده و مختصات اصلی آن به قرار زیر است: برنامه‌ریزی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی تفکیک فرآیند برنامه‌ریزی به دو مرحله تصمیم‌سازی و اجرا تاکید بر نگرش راهبردی (تعیین اهداف، راهبردها و سیاستها...)

تلفیق اهداف کالبدی، اقتصادی و اجتماعی تاکید بر امکانات اجرایی، انعطاف‌پذیری و تحقق‌پذیری

ب - رویکرد دموکراتیک در برنامه‌ریزی به دنبال تحولات عمیقی که در اواخر قرن بیستم در جامعه غربی در جهت گرایش به «جامعه مدنی»، «دولت حداقلی»، «کثرت‌گرایی»، «دموکراسی اجتماعی»، «حوزه عمومی» و غیره پدید آمده، از حدود دهه ۱۹۸۰، مبنای برنامه‌ریزی شهری، نیز، در معرض تغییرات بنیادی قرار گرفته است. از جمله می‌توان به نظریه‌ها و گرایش‌های جدیدی اشاره کرد که در عرصه شهرسازی به طور جدی مطرح شده است: نظریه توسعه پایدار شهری

نظریه برنامه‌ریزی حمایتی
نظریه برنامه‌ریزی گام به گام
نظریه برنامه‌ریزی پاسخگو
نظریه برنامه‌ریزی مشارکتی (۳)

برخی ملاحظات کلی و شکلی درباره کتاب در یک نظر کلی و اجمالی می‌توان گفت که کتاب «تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران» تا حدود زیادی دچار همان آسیب‌هایی شده است که فرهنگ عمومی تحقیق و تالیف رایج در کشور، از آن رنج می‌برد. اهم این آسیب‌ها عبارت است از:

اولاً - موضوع تحقیق و تالیف به درستی تعریف و مشخص نشده است.

ثانیاً - توجه کافی به میانی نظری موضوع و روشهای تحقیق مینول نشده است.

ثالثاً - مرزهای میان پژوهش توصیفی و تحلیلی در هم آمیخته است.

به منظور تشریح و تبیین نکات فوق، لازم است که توضیحات بیشتری ارائه شود.

الف - نگاهی به عناوین و مباحث چهار فصل اصلی کتاب نشان می‌دهد، که بخش اعظم مطالب ارائه شده ارتباط کافی و لازم با عنوان کتاب ندارد. بیشتر این مباحث نه به «برنامه‌ریزی شهری» در مفهوم مشخص خود، مربوط می‌شود و نه در حد مورد انتظار به «تحلیل ویژگی‌ها» ی آن کمک می‌کند. در واقع، فقط فصل چهارم است که به موضوع اصلی کتاب یعنی «برنامه‌ریزی شهری در ایران» در مفهوم امروزی خود، پرداخته است و سایر فصول به «سیر تحولات شهرنشینی» یا «تاریخ شهرسازی ایران» مربوط می‌شود. در عین حال، اگر تحلیل برنامه‌ریزی شهری در ایران، مستلزم آگاهی از روندهای شهرنشینی و شهرسازی گذشته است، از نظر روش‌شناسی علمی، می‌باید از چکیده نتایج تحقیقات انجام شده استفاده کرد، و پرداختن مستقل به آن، نوعی دوباره کاری، تکرار اطلاعات قبلی و پرداختن به موضوعات

غیرلازم و بی‌ارتباط با موضوع اصلی است. (۴) بررسی کمی تعداد صفحات اختصاص داده شده به فصول چهارگانه (بدون در نظر گرفتن صفحات مربوط به نقشه‌ها و تصاویر اصلی) نشان می‌دهد، که سهم فصل اصلی نسبت به فصول دیگر، که می‌باید به عنوان زمینه تحلیل و تحقیق به کارآیند بسیار اندک است:

فصل اول حدود ۶۰ صفحه ۱۱/۴ درصد
فصل دوم حدود ۱۳۰ صفحه ۲۴/۸ درصد
فصل سوم حدود ۱۷۰ صفحه ۳۲/۴ درصد
فصل چهارم حدود ۱۶۵ صفحه ۳۱/۴ درصد
جمع ۱۰۰۵۲۵ درصد

در واقع، فقط در حدود ۳۰ درصد حجم مطالب کتاب به موضوع اصلی اختصاص، و نزدیک ۷۰ درصد بقیه صرف تشریح و توصیف موضوعات فرعی و جنبی مربوط به موضوع شده است. این رویکرد آسیب‌های جدی مثل افت شدید خصلت تحلیلی تحقیق، افزایش بی تناسب حجم کتاب، کم رنگ شدن محتوای اصلی تحقیق و پنهان ماندن نظرات عمده آن، به کل کتاب وارد ساخته است.

ب - موضوع مهم دیگر این است که در کتاب حاضر، مباحث و مسائل مربوط به روش‌شناسی تحقیق، حداقل آن طور که از یک پایان نامه دانشگاهی انتظار می‌رود، تعریف و معلوم نشده است. فقط در مقدمه کتاب برخی پرسش‌های کلی، شاید به عنوان فرضیه‌های تحقیق، مطرح شده که از دقت لازم و تعیین دقیق مسئله مورد پژوهش برخوردار نیست. سؤالاتی از این دست:

«به راستی چه سبکی را و چه الگویی و چه روند مستقل و قابل قبولی را در شهرسازی پیش گرفته‌ایم؟ چه هویتی بر کالبد و فضای شهرهای ما حاکم است؟ آیا روند شهرنشینی و شهرسازی در کشورما، ملقمه‌ای از الگوهای دیگران و آمیزه‌ای از تقلید سبکهای بیگانه است یا مطابق ویژگی‌های سرزمینی...؟ آیا آنچه که تحت عنوان شهرسازی و معماری دوره جدید شاهد آنیم، تقلیدی صرف و الگوهایی تحمیل شده



بر کالبد شهرهایمان است، یا سبکی است با هویت و ارزشمند؟... و خلاصه اینکه از خود چه داریم؟ ریشه مسایل حادی که امروزه دامنگیر شهرهای ما شده در کجاست؟» (ص بیست و نه و سی)

در مورد اهداف تحقیق، نیز در مقدمه آمده است: «رسیدن به شناخت لازم، بالا رفتن فرهنگ شهرنشینی و سعی در تحلیل برخی از مسائل مطرح شده در بالا، از اهداف تحقیق حاضر است...» (ص سی) و «به هر حال این مطالعه قدمی است در ابتدای راهی طولانی، با این هدف که بتوان با شناخت نارسایی‌ها و مشکلات طرحهای جامع شهری گذشته و رفع آنها در تهیه طرحهای جدید به موفقیت‌های بیشتری دست یافت.» (ص ۴۶۹)

در مورد روشها و فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات، در مبحث مربوط به بررسی مسایل و مشکلات و نارسایی‌های طرحهای جامع شهری فقط این توضیح مختصر ارائه شده که «در این مطالعه سعی شده تا با یک جمع‌بندی کلی از بررسیها، نظرخواهی‌ها و گفتگوهای انجام شده با مسئولین و مهندسان مشاور و هم چنین با مطالعه و بررسی تعدادی از طرحهای جامع شهری به نتایجی رسید.» (ص ۴۸۲). اما در مورد کم و کیف این منابع و روش جمع‌بندی، هیچگونه توضیحی داده نشده است.

پ - یکی از ویژگی‌های شکلی و بارز کتاب، ارائه انبوهی از جداول آماری، تصاویر و نقشه‌های مختلف مربوط به شهرها (نقشه‌های تاریخی، انواع بافت‌ها، طرحهای جامع، طرحهای معماری، نقشه‌های روند توسعه، عکس‌های هوایی و غیره) است، که به نظر می‌رسد قسمت اعظم آنها، جز در مواردی که برای تحلیل‌های نمونه‌وار و موردی به کار گرفته شده غیر ضروری و غیر مفید است و به غیر از اینهاست اطلاعات پراکنده و غیر مهم، کمکی به اهداف تحقیق و تحلیل ویژگی‌های برنامه‌ریزی نمی‌کند. به ویژه این که مشکلات چاپ و کوچکی ابعاد گویایی و خوانایی این اسناد را، جدا از ارزش ذاتی آنها، تا حدود زیادی کاهش داده است. به عنوان مثال حدود ۴۰ نقشه ساده نموداری (کروکی) از منابع مرکز آمار ایران (۱۳۵۳) ارائه شده، که نه از ارزش علمی نقشه‌ای برخوردار است و نه در حد حجم خود، به تحلیل تصویری موضوعات کمک می‌کند.

برخی ملاحظات درباره محتوای کتاب

همان طور که اشاره شد، هدف تحقیق، شناخت نارسایی‌ها و مشکلات جاری در روال جاری برنامه‌ریزی شهری کشور (تهیه و اجرای طرحهای جامع) و کمک به اصلاح و بهبود آنها، اعلام شده است. اینک باید دید که این تحقیق، اولاً تا چه حد به تعمیق شناخت مشکلات کنونی کمک کرده و ثانیاً راه حل‌های اصلاحی ارائه شده تا چه حد از اعتبار نظری و علمی برخوردار است. بدیهی است که در این بررسی کوتاه فقط به برخی نکات اصلی مربوط به «تحلیل ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری» بسنده شده و پرداختن به مباحث مربوط به تاریخ شهرنشینی و شهرسازی، شهرهای جدید و شهرکهای صنعتی، که خود موضوعات مستقل دیگری هستند، مدنظر نبوده است.

الف - درباره تجارب شهرسازی جدید ایران و به ویژه طرحهای جامع و تفصیلی شهری، در دو سه دهه اخیر، مقالات تحلیلی و تحقیقی نسبتاً زیادی نوشته، که مشخصات اکثر آنها در فهرست منابع کتاب حاضر (تا زمان تألیف) آمده و نظرات کتاب به طور عمده بر داده‌های آنها استوار شده است. ویژگی اکثر این منابع آن است که در تحلیل ریشه‌یابی

برنامه ریزی شهری، یک دانش میان رشته‌ای است که به جای قوانین قطعی و محدود، با گرایش‌ها و متغیرهای وسیع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سر و کار دارد

خاص کشورهای جهان سوم، این مشکلات، اشکالی متمایز و گاه حادتر پیدا کرده است. در مورد ایران می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد، که پس از گذشت بیست سال از وقوع انقلاب اسلامی در کشور، و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم، هم چنان بحران شهرنشینی و شهرسازی ادامه دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که تبیین مشکلات شهرسازی و اصلاح روند آن به تحقیقات وسیع‌تر و تبیین عمیق‌تر و همه جانبه‌تر نیاز دارد.

ب - بر پایه همین نظریه، در سراسر فصل چهارم، تحولات شهرسازی جدید و اثرات اجرای طرحهای توسعه شهری و عوارض منفی آن در حیات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای کشور، با دقت و تفصیل کافی بررسی شده است.

این بررسی‌ها، اگرچه در کلیت خود، درست و غیرقابل انکار به نظر می‌رسد، ولی بیشتر در سطح نوعی نمودشناسی مشکلات، که اغلب منابع پیشین، نیز، به آنها اشاره کرده‌اند، باقی می‌ماند و به تحلیل عمیق‌تری نمی‌رسد. به عنوان توضیح بیشتر موضوع، می‌توان، به طرح چند سوال بحث‌انگیز اشاره کرد. اگر این طرحها به اجرا در نمی‌آید وضع شهرهای ما به کجا می‌کشید؟ و آیا اصولاً می‌شد از بروز این روند جلوگیری کرد؟ آیا حتی یک حکومت غیروابسته، می‌توانست در برابر هجوم اجتناب‌ناپذیر صنایع جدید وسایل حمل و نقل ماشینی، تکنولوژی راه و ساختمان، رشد سریع شهرنشینی و خدمات شهری و غیره، راهی کاملاً متفاوت و مطلوب اتخاذ کند؟ یا کند و کاو بیشتر در این مباحث، می‌توان دریافت که ساماندهی روند شهرنشینی و شهرسازی، در یک جهان در حال تحول، به تحولاتی بنیادی‌تر، پیچیده‌تر و طولانی‌تر نیاز دارد.

پ - تحقیق حاضر در بررسی و تحلیل علل عدم موفقیت طرحهای شهری در ایران، به یک رشته از عوامل کلی و جزئی، با تفصیل کم یا بیش، پرداخته است، ولی طبقه‌بندی روشنی از نوع این عوامل و سطح تاثیر آنها ارائه

رویکرد برنامه‌ریزی جامع و طرحهای جامع، خصلتی متمرکز، آمرانه و انتزاعی دارد و بر عوامل کالبدی و مهندسی تاکید دارد و به عوامل اجتماعی بی توجه است

مسائل و مشکلات موجود، بیشتر به چگونگی روشها و فنون تهیه و اجرای طرحهای جامع شهری پرداخته‌اند و کمتر به مبانی نظری و نظریه‌های اساسی حاکم بر آن توجه نشان داده و یا حداکثر به نظریه رشد سرمایه‌داری وابسته و اثرات منفی آن در نحوه توسعه و عمران شهری ایران توسل جستند.

در کتاب حاضر، نیز، مبانی نظری مشکلات برنامه‌ریزی و طرحهای شهری در ایران به نفوذ استعمار، وابستگی اقتصادی و توسعه برون‌زا نسبت داده شده است. به نظر مولف «آنچه که تحت عنوان شهرسازی دوره جدید، هم چون موجی فراگیر به شهرهای بزرگ و سپس به سراسر کشور رسید، چیزی جز انعکاس تحولات غرب نبود. سالها پس از انقلاب صنعتی در غرب که دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی شهری را نیز به دنبال داشت، در ایران نیز، به همراه نفوذ استعمارگران، الگوبرداریها و برداشتهایی از شیوه‌های غربی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری به عمل آمد...» (ص ۳۸۱)... «در کشورهای جهان سومی مانند ایران، آمادگی قبلی برای پذیرا شدن چنین دگرگونی‌هایی پدید نیامد. در این کشورها نه تنها رشد روابط سرمایه‌داری در اثر تحول و تکامل ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه نبوده، بلکه به سبب قرار گرفتن در جهت خواست‌های سرمایه‌داری جهانی، وابستگی و رشدی غیرپایه‌ای را نیز به دنبال داشته است...» (ص ۳۸۳)... «از دهه ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشمگیری به وجود آمد. همه این تغییرات در رابطه با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه و قرار گرفتن ایران در سیستم سرمایه‌داری جهانی قابل بررسی است...» (ص ۳۸۵)

نظریه وابستگی و نقش توسعه پیرامونی و برون‌زا، اگر چه از مبانی نظری و تاریخی نیرومندی برخوردار است، ولی برای تبیین مسائل و مباحث شهرسازی، کافی و وافی نیست، چرا که مشکلات شهرسازی جدید خاص جوامع جهان سوم یا جوامع پیرامونی نیست، بلکه هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای بلوک شرق (قبل و بعد از تحولات اخیر) وجود داشته و دارد. در واقع، به نظر بسیاری از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، ریشه‌های مشکلات شهرنشینی و شهرسازی جدید، به تغییر بنیادهای تمدن و شیوه‌های زندگی و پیچیده‌تر شدن ساختار شهرها، از یک طرف، و محدودیت‌ها و نارسایی‌های دانش‌های مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی، از طرف دیگر مربوط می‌شود. منتهی در شرایط



نشده و در نتیجه نمی‌توان تصویری مشخص از نقش عوامل اصلی یافرعی، نظری یا عملی، قانونی یا اجرایی و غیره و نیز نحوه ارتباط و میزان همبستگی آنها به دست آورد. در یک جا عوامل موثر در عدم موفقیت طرحهای شهری به سه گروه «ناشی از عملکرد و سازمان اداری وزارتخانه‌ها...» و «مربوط به مهندسان مشاور و نحوه برخورد آنها...» و «نحوه برخورد مسوولین و سازمانها در پیاده کردن و اجرای طرحها» تقسیم شده است. (ص ۴۸۱) در جای دیگر ضمن بررسی نحوه تهیه و اجرای طرحهای شهری چنین آمده است: «این اقدامات که بدون برنامه منطقی و سیستمی و بدون هدایت، کنترل و ایجاد رابطه بین آنها صورت می‌گرفت، حرکت‌های برنامه‌ریزی شهری را ناموفق می‌ساخت.» (ص ۴۷۶). و در پایان مبحث «برنامه ریزی و تهیه طرحهای جامع شهری» زیر عنوان جمع‌بندی کلی بررسی‌ها، علل عدم موفقیت طرحهای جامع شهری، در یک فهرست طولانی، بدون طبقه‌بندی و درجه‌بندی، بیش از ۱۵ علت معرفی شده است. اهم علل یاد شده به طور خلاصه عبارتند از: نبود یک نظام برنامه‌ریزی پایه‌ای و قوی، یکنواخت بودن نحوه مطالعات طرحهای جامع شهری، عدم توجه به حوزه نفوذ شهرها، عدم وجود اطلاعات کافی، تحولات سریع در طول تهیه و اجرای طرحها، امیال بلندپروازانه و ایده‌آل مهندسان مشاور، عدم کادر متخصص برای نظارت، کمبود شرکت‌های مهندسان مشاور و عدم مشاوران محلی، نارسایی مطالعات طرحهای شهری، پیروی از الگوهای غربی، نارسایی اجرا و مدیریت نقش ضعیف شهرداری‌ها، نارسایی قوانین و مقررات شهرسازی، و... (ص ۴۸۲ تا ۴۹۷)

در این زمینه به طور خلاصه می‌توان گفت که فهرست کردن مسائل و مشکلات به این صورت، بیشتر به آسیب‌شناسی و پدیده‌شناسی مسائل نظر دارد تا ریشه‌یابی و تبیین آنها. در واقع به نظر می‌رسد که در این تحلیل، علل اصلی ناکامی و نارسایی طرحهای شهری و نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران، کمتر مورد تاکید و تبیین قرار گرفته است.



به نظر بسیاری از نظریه پردازان علوم اجتماعی، ریشه‌های مشکلات شهرنشینی و شهرسازی جدید، به تغییر بنیادهای تمدن و شیوه‌های زندگی و پیچیده‌تر شدن ساختار شهرها، از یک طرف، و نارسایی دانش‌های مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی، از طرف دیگر مربوط می‌شود

تحقیق حاضر، در بررسی علل عدم موفقیت طرحهای شهری در ایران، به یک رشته از عوامل کلی و جزئی پرداخته است، ولی طبقه‌بندی روشنی از نوع این عوامل و سطح تاثیر آنها ارائه نشده است

با توجه به تجارب جهانی می‌توان گفت که اصولاً الگوی برنامه‌ریزی جامع و متمرکز، در ماهیت خود با انواع تعارضات نظری و عملی روبرو بوده و اصولاً با ساختار و عملکرد واقعی شهرها انطباق نداشته‌است. وجود ساختارهای سیاسی بوروکراتیک و غیردموکراتیک، تسلط مالکیت خصوصی بر اراضی شهری، عدم نهادهای برنامه‌ریزی و مدیریت محلی در شهرها، عقب ماندگی توسعه و عمران روستایی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و مانند اینها از جمله عوامل بنیادی هستند که بسیاری از علل و عوامل یادشده دیگر از آنها ناشی شده‌اند و به خودی خود، نمی‌توانند به عنوان علل اصلی به حساب آیند. بدیهی است که این محدودیت تحلیل، به محدودیت ارائه راه حل‌ها منجر شده است.

ت - زمینه ارائه رهنمودها و راه حل‌ها برای اصلاح نظام برنامه‌ریزی شهری و تقویت طرحهای شهری، سطح و دامنه پیشنهادها در این کتاب، در همان چارچوب الگوی برنامه‌ریزی جامع و اولویت دادن به نقش دولت مرکزی و اصلاح روشهای فنی و اجرایی است. و توجهی به ضرورت ایجاد تحول در مبانی الگوی طرحهای جامع و استفاده از رویکردهای جدید مبذول نشده است. با چنین رویکردی، رئوس پیشنهادهای اصلاحی در چارچوب آرایه توصیه‌های عمومی و کلی در زمینه ایجاد تحول در سازمان اجرایی، روشهای تهیه، تصویب و اجرا باقی می‌ماند. البته، در ضمن مباحث مختلف، اشارات پراکنده‌ای به ضرورت ایجاد هماهنگی در نظام برنامه‌ریزی، توسل به رویکرد سیستمی، تقویت نقش شهرداریها و مانند اینها اشاره است، ولی این پیشنهادها به عنوان راهبردها و سیاست‌های اساسی مورد تاکید و تشریح کافی قرار نگرفته و در نتیجه در سایه باقی مانده است. از جمله می‌توان به توصیه‌های زیر اشاره کرد:

«مسوولین و ادارات شهری باید بر کم و کیف توسعه شهرها و افزایش جمعیت آنها نظارت داشته باشند... عواملی که توسعه فضایی شهرها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، باید شناسایی و کنترل شوند. انجام این امر مستلزم نگرینستن به مسائل در قالب یک دید سیستمی است، یعنی بررسی عوامل در قالب یک مجموعه، به عبارت دیگر نباید تنها در خود شهرها ریشه مشکلات شهری را جستجو نمود. بلکه این تغییر و تحولات از جو سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم در هر زمان و مکان تاثیرپذیر هستند...» (ص ۴۲۱ و ۴۲۲)

خلاصه و نتیجه‌گیری کلی

تالیف و انتشار این کتاب، با توجه به کمبود منابع پایه در این زمینه، گامی مثبت و مسوولانه تلقی می‌شود که می‌تواند انگیزه و زمینه‌ای برای تالیفات کامل‌تر و عمیق‌تر به حساب آید. البته با توجه به پیچیدگی ماهیت دانش برنامه‌ریزی شهری و خصلت میان رشته‌ای آن و نیز تحولات سریع و وسیع این رشته در دو دهه اخیر، نمی‌توان انتظار داشت که با یکی دو تحقیق و تالیف بتوان به اهداف مطلوب در این زمینه دست یافت. کتاب حاضر، برخلاف عنوان خود، بیشتر تاریخچه‌ای توصیفی از تحولات و اقدامات شهرسازی جدید کشور - همراه با حشو و زوائد بسیار - به دست می‌دهد، و در ارائه «تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران» چندان موفق نیست. بدیهی است که جبران این کمبود به کوشش‌های جدی‌تر و جدیدتر نهادهای تحقیقاتی و دانشگاهی نیاز دارد. باتوجه به نیاز عمومی کشور به اصلاح نظام شهرسازی کشور، و گسترش رشته‌های شهرسازی در دانشگاهها، از یک طرف و ضرورت اعتلای دانش شهرسازی در عرصه نظری و عملی، از طرف دیگر، انتظار می‌رود که صاحب‌نظران علوم اجتماعی به یاری مسوولان و شهرسازان، که اغلب درگیر مشکلات حرفه‌ای و اجرایی هستند، بشتابند و به اعتلای این دانش تاثیرگذار در حیات عمومی کشور، بیش از پیش کمک کنند.

یادداشت‌ها

- ۱- در زمینه مبانی نظری برنامه‌ریزی شهری، می‌توان به چند اثر مهم با مشخصات زیر اشاره کرد:
 - Faludi, Andreas: "Planning Theory", oxford, ۱۹۷۳
 - Mcconnell: "Theories for planning", London, ۱۹۸۱
 - Campbell, scott (Edit): Readings in planning, ۱۹۹۷
- ۲- یک مرجع ارزشمند تجارب جدید برنامه‌ریزی شهری در جهان اثر زیر است:
 - Hall, peter: "Urban and regional planning", London ۱۹۹۲
- ۳- برای اطلاع بیشتر در مورد برنامه‌ریزی دموکراتیک و گرایش‌های وابسته به آن رجوع شود به منابع معرفی شده در یادداشت شماره ۱
- ۴- از جمله منابع با ارزش در زمینه تاریخ تحولات شهرنشینی و شهرسازی در ایران، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:
 - اشرف احمدی: «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۲
 - سلطان زاده، حسین: «مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران»، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷
 - حسامیان، فرخ - اعتماد گیتی حائری، محمدرضا: «شهرنشینی در ایران»، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵ (۱۳۶۳)
 - حبیبی، محسن: «نژاد تا شهر» (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن) انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ۵- در مورد ارزیابی نتایج اجرای طرحهای جامع شهری در ایران، مقالات نظری و گزارشات تحقیقی متعددی منتشر شده که مشخصات اهم آنها عبارت است از:
 - سازمان برنامه و بودجه: «ارزیابی طرحهای جامع شهری در ایران»، مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۷۲
 - وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری: «نگرش بر الگوهای برنامه‌ریزی شهری در ایران»، تهران، ۱۳۶۹
 - غمامی، مجید: «بررسی و نقد اجمالی طرحهای شهری»، مجله آبادی، شماره ۷، ۱۳۷۱
 - اطهری، کمال: «بحران اندیشه در شهرسازی ایران»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۱ و ۳۲، اردیبهشت ۱۳۷۵
 - سعیدیان، احمد: «اندیشه‌های خام شهرسازی»، نشریه هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره اول، بهار ۱۳۷۴
 - مهدیزاده جواد: «درآمدی بر نظریه‌ها و روشهای برنامه‌ریزی شهری»، مهندسان مشاور فرزند، تهران، ۱۳۷۶